

مرکز پژوهش متون شناسی و قرون وسطی شناسی هندی - مدیترانه ای (FIMIM)
دپارتمان زبان، ادبیات و فرهنگ‌های مدرن، دانشگاه بولونیا

پروژه ی بین‌المللی IDA: تصویرها و کج گونگی های «دیگری» دوره ی دوم 2023-2027

کانون بنیانگذار:

مرکز پژوهشی متون شناسی و قرون وسطی شناسی هندی - مدیترانه ای (FIMIM)
دپارتمان زبان، ادبیات و فرهنگ‌های مدرن، دانشگاه بولونیا

مدیران:

Nahid Norozi, Giuseppe Cecere, Carlo Saccone

همکاران و شرکت کنندگان فعال در دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی هندی - مدیترانه ای:

Prof. Riza Tunç Özben (University of Kırklareli), Prof. Nivin Sobh (University Al-Azhar, Kairo), Prof. Hussein Mahmoud (University Badr, Kairo), Prof. Djaouida Abbas, Prof. Aicha Chekalil (University of Blida 2-Algeria), Dr Fabio Tiddia (Researcher ASTREA, Tehran), Prof. Rahilya Geybullayeva (University of Baku), Prof. Denita Haveric (University of Sarajevo), Prof. Sona Haroutyunian (Università di Venezia and University of Yerevan), Prof. Andrea Celli (University of Connecticut).

همکاران و شرکت کنندگان فعال در دانشگاه بولونیا:

Anna Sirinian (Dip. DISCI, area armenistica e caucasica), Chiara Conterno (Dip. LILEC, germanistica), Francesco Benozzo (Dip. LILEC, area filologia romanza e celtica), Giuseppe Cecere (Dip. DISCI, area di arabistica e islamologia); Ines Peta (Dip. LILEC, area di arabistica), Nahid Norozi (Dip. LILEC, area iranistica), Michael Dallapiazza (Dip. LILEC area di germanistica e studi ebraico-tedeschi), Özen Nergis Dolcerocca (Dip. LILEC, area di turcologia), Riccardo Campi (Dip. LILEC, francesistica), Mette Rudvin (Università di Palermo, anglista e area indo-musulmana), Elisa Pontini (Dip. LILEC - area di germanistica)

آیین نامه ی پروژه ی IDA:

1. پیش درآمد

منطقه ی مدیترانه و حواشی آن از ربع پایانی سده ی بیستم به بعد با بسیار حوادث ناگوار، خشونت ها و جنگ ها رو به رو بوده است، از جنگ بالکان در دهه ی 90 گرفته تا درگیری‌ها در چین و قفقاز، از دو جنگ خلیج فارس گرفته تا به سال‌های اخیر که شاهد جنگ در لیبی، سوریه و عراق بوده و هستیم که در آن ها نقش قدرت های استعمارگر پیشین اروپایی اغلب تعیین کننده بوده است.

این حوادث غم انگیز که اغلب مسیحیان و مسلمانان را به مقابله با هم کشانده است، روابط آشتی گرایانه ی معمول میان ملت‌های همسایه و نیز همکاری های اقتصادی و فرهنگی کشورهای حاشیه ی مدیترانه را دشوار ساخته است. مطمئناً سوء ظن ها و بی اعتمادی های متقابل میان اقوام مدیترانه، کاهش نیافته است. پیشداوری ها و گاه قضاوت های کلی و عجولانه در مورد «دیگری» در روزنامه ها، در رسانه ها و در خیابانها به کرات شنیده می شود. بیشک این تنها مسئله ی امروزی نیست؛ در قرون وسطی، مسلمانان در اروپا با نام سطحی و کلی «سراسین Sarrasin» شناخته شده بودند و مسیحیان اروپایی هم در جهان اسلام با نام مبهم «فرنگی» که از ریشه ی «فرانک» بر می آید، آشنا بودند.

از اینجاست که امروزه مؤسسات دانشگاهی بایستی در مقابله با این نوع ساده سازیهای زبانی، که فرهنگ و تمدنی را در یک واژه یا یک اصطلاح کلی و مبهم خلاصه می کند، بکوشند؛ فرهنگ و تمدنی که در خود مفاهیم، جریانها و گوناگونی های بی شماری را جای داده است. خرد کردن «دیگری» با تحدید آن در یک واژه یا یک اصطلاح یا یک تعریف کلی، به همان گونه که از قرون وسطی تا کنون مورد استفاده قرار گرفته، خود نوعی دیوارسازی ست که برداشتش در کوتاه مدت دشوار است. این موانع و پیش‌داوری ها «تاریخ مشترک» ما را که شامل دوره های مثبت و مفید مبادله ی تجاری و فرهنگی نیز می باشد، نادیده می گیرند و یا آن را غیر قابل فهم می سازند. ما می دانیم که اروپای غربی غیر مسیحی نیز وجود دارد، برای نمونه می توانیم

از دوره ی اسلامی در اندلس یا سیسیل، جایی که پایتخت هایی مانند قرطبه و پالمو شکوفا شده و رشد کرده اند، نام ببریم. مثال دیگر بخش مهمی از روشنفکران اروپایی سده ی بیستم می‌تواند باشد که از میان یهودیان برخاسته اند؛ آن‌ها که به پیشرفت فکری اروپا پیش از آنکه خشم نازی‌ها قتل عامشان کند، کمک بسزایی کرده اند. همچنین جهان عرب - مسیحی را در نظر بگیریم که در بغداد سده ی نهم میلادی اسقفان در دربار خلیفه مأمون با علماء اسلام پیرامون الهیات بحث می‌کردند. این دنیای عرب - مسیحی، که هنوز هم بسیاری از جوامع پراکنده اش در سواحل دریای مدیترانه و خاورمیانه، از لبنان تا عراق زندگی می‌کنند، در دوران «نهضت»، که همان رنسانس عرب در فاصله ی سده ی نوزدهم و بیستم می‌باشد، نقش ایفا کرده است. ترکیه ی عثمانی هم که وارث جنبه های مختلف فرهنگ بیزانس یا روم دوم می‌باشد، نه تنها در جنگ‌ها، بلکه حتی در روابط تجاری و دیپلماتیک با ونیز، در امور اروپا بسیار حضور داشته و رد پایش در ادبیات، هنرهای تجسمی و حتی در موسیقی قابل مشاهده است.

مقابل هم قرار دادن شرق و غرب همچنین می‌تواند گمراه کننده باشد: الساندرو بائوزانی اسلام شناس بزرگ ایتالیایی، با توجه به سهم عظیمی که فیلسوفان و دانشمندان عرب (در واقع عربی نویسانی که نه تنها عرب بلکه فارس و ترک هم بودند) در پیشرفت علوم از راه تفسیراصولی شان بر آثار فلاسفه و دانشمندان یونانی بر عهده داشتند، اذعان داشت که اسلام «بخشی اساسی از فرهنگ غربی است». حتی مسیحیت، عنصر اساسی هویت اروپایی، یا هویت «غربی»، شیر و نیروی خود را مدیون کتاب های باستانی و کتاب های مقدس تألیف شده در شرق می‌داند. قرآن تقریباً همه پیامبران کتب مقدس مسیحی - یهودی را ذکر می‌کند، جایگاهی خاص برای حضرت عیسی قائل است و عنوان سوره ی نوزدهم را به حضرت مریم اختصاص می‌دهد. شناخت ریشه های فرهنگی آنچه امروز «غرب» می‌نامیم، می‌تواند شگفت انگیز باشد.

گندی شاپور در ایران پیش از اسلام از سال 271 میلادی فعال بوده است. در این شهر کانونی فوق العاده به منظور ترجمه و تحقیقات علمی تشکیل شده بود که با کوشش دانشمندان و فیلسوفان - نه تنها از خطه ی وسیع امپراتوری ایران ساسانی، بلکه از هند و از سرزمین های اقلیم هلنیسم پسین - به اوج خود رسیده بود، به خصوص پس از بسته شدن آکادمی آتن در سال 529 میلادی توسط قیصر ژوستینیان. در گندی شاپور از متون یونانی و هندی و حتی از چینی ترجمه انجام شده است و علوم متعددی مانند ستاره شناسی، ریاضیات و پزشکی گسترش یافته اند. پس از این دوره، جهان اسلام از دوران عباسی (اواسط سده ی هشتم) به بعد، از میوه ی این کوششها به طور گسترده ای بهره می‌برد و «خانه دانش» (بیت الحکمة) بغداد دوره ی خلافت، وارث طبیعی آکادمی گندی شاپور می‌باشد. در بغداد، خاندان مترجمین که بیشتر یهودی یا مسیحی بوده اند، برگردان های متعددی به زبان عربی از متون علمی و فلسفی به ویژه از یونانی و سریانی انجام داده اند، که در سده های بعدی، اصولاً به تفسیر و تعمق در می‌آیند و (به واسطه ی حامد غزالی، ابن الهیثم، ابن سینا، رازی، فارابی، جابر، ابن رشد) سپس از این راه به غرب مسیحی قرون وسطی بر می‌گردند. در کتابخانه ی شهر تولدو که به دست مسیحیان در سال 1085 باز پس گرفته شد، انتقال دانش این بار از عربی به لاتین صورت می‌گیرد که فلسفه ی مدرسی (اسکولاستیک) از توماس قدیس و آلبرت بزرگ به بعد از آن بهره ی بسیار می‌برد.

آتن، گندی شاپور، بغداد و تولدو: همانطور که می‌بینیم آکادمی گندی شاپور و وارث مستقیم آن، بیت الحکمه بغداد، در مرکز انتقال دانش از دوران باستان (نه تنها یونانی) به قرون وسطای لاتین قرار دارند، و این دو مرکز، نقش حلقه ی میانی یک «شجره نامه ی دانش غربی» را ایفا می‌کنند، ولی با اینهمه مدت زیادی ست که در اروپا فراموش و یا حذف و یا بی تأثیر تلقی شده اند.

آیا می‌توان به طور جدی باز صحبت از «شرق» و «غرب» کرد، با وجود اینکه در مدیترانه متون مقدس و نیز متون یونانی- هلنیستی همیشه مشترکاً به ارث گذاشته شده اند؟ و با وجود اینکه می‌بینیم موضوع های کلان ادبیات مربوط به آخرت یهودیان و مسیحیان و مسلمانان (به ویژه در باب معراج) در دانتو و در ابن عربی، در امانوئل رومانو و در سنائی تکرار می‌شوند؟ با وجود اینکه تا سده ی هجدهم، قانون ابن سینا و الکیمای جابر در اروپا تدریس می‌شده اند؟ دنیای مدیترانه قطعاً زبان و ادیان و اقوام بومی گوناگون دارد، و نبرد مردمانش را از جنگ های صلیبی گرفته تا مبارزات برای آزادی از استعمار به چشم دیده است؛ با اینهمه به میان آوردن بحث «شرق» و «غرب» واقعاً گمراه کننده می‌نماید.

2. اهداف پروژه ی IDA:

پروژه ی IDA (تصویرها و کج گونگی های «دیگری») در نظر دارد این واقعیت مسلم را تداعی کند که میان مردمان حاشیه ی مدیترانه - و آن مدیترانه ی وسیعتری که از اسکندر بزرگ به بعد، تأثیرات خود را تا دروازه های هند می‌گسترده - تصویر «دیگری» از گذشته تا به امروز کج گونگی یافته است (در حقیقت بارها کج گونگی یافته است).

پس تصویر نویی از «دیگری» در آغاز سده ی بیست و یکم ضروری می‌نماید. سده ای که از قوم گرایی ها و نژادپرستی ها سنگین شده و هنوز تصویر درستی از «دیگری» در وجدان ها، در مدارس و دانشگاه ها، و در رسانه ها شکل نگرفته است.

یکی از هدف های پروژه ی IDA می‌تواند و می‌باید شکل دادن به تصویری نوین از «دیگری» باشد و برای این منظور پیش از هر چیز باید بر تجزیه و تحلیل «دیگری» در ادبیات متمرکز شد و نه تنها بر دگرگونگی های گوناگون و پررنگ آن.

در قرآن (سوره ی هجدهم، آیه ی 60 به بعد) می‌خوانیم که حضرت موسی با پیامبر اسرارآمیز و پیشتاز راه روحانی، خضر، به سوی «آمیختگی دو دریا» (مجمع البحرین) سفر کرد. مفسرین شناسه های متعددی را برای «مجمع البحرین» پیشنهاد کرده اند، از جمله تنگه ی سونز که دقیقاً بین دو دریای بزرگ شناخته شده در دوره ی پیش - مدرن قرار گرفته است. اما این

اصطلاح تا حدی مرموز، به نظر می‌رسد به صورت نمادین یک ناکجا آباد روح اشاره داشته باشد، به یک نقطه‌ی مرموز تلاقی، و یا به مرز بین واقعیت و دنیا‌های متفاوتی که در عین مجزا بودن با هم بی‌ارتباط نیستند. این بیان حضرت موسی را که می‌گوید: «من تا به جمع البحرین نرسم دست از طلب بر ندارم» (قرآن 18، 60)، می‌توانیم به مثابه‌ی یک مانیفست و یا برنامه‌ای بخوانیم که جهان معاصر مدیترانه - که امروزه درگیر دشمنی هاست و در بحران شدید ایده‌آلیستی و هویتی قرار گرفته - نیاز دارد آن را به طور آگاهانه دریافت کند و شجاعانه به آن تحقق بخشد.

پروژه‌ی IDA در نظر دارد دانش دوستان و محققان به ویژه جوان را، که به تازگی کار خود را در تحقیق آغاز کرده‌اند، گردهم آورد، آن‌ها که پیش از همه خواستار «اصلاح» تصویر «دیگری» هستند و توان کوشش در این راه را دارند. از اینجاست که ایده‌ی مرکز پژوهش FIMIM واقع در دانشگاه بولونیا مبنی بر راه‌اندازی یک شبکه‌ی میان‌دانشگاهی حوزه‌ی مدیترانه‌ای که شامل برخی از مراکز اصلی این منطقه از جمله ترکیه (دانشگاه استانبول)، مصر (دانشگاه قاهره)، مغرب (دانشگاه بلیده - الجزایر) و برخی مراکز فرهنگی ایران می‌باشد، شکل گرفت. این پروژه به شرق‌تر، تا به ایران و دنیای بین‌النهرین که رابطه‌ی تنگاتنگی با دنیای مدیترانه داشته‌اند هم گسترده است، سرزمین‌هایی که در توسعه و پیشرفت آنچه «تاریخ مشترک ما» محسوب می‌شود، نقش‌های کلیدی داشته‌اند.

پروژه‌ی IDA ترجیحاً بر پژوهش در زمینه ادبیات، ادبیات تطبیقی و تاریخ روابط فرهنگی میان مردمی تمرکز دارد. دوره‌ی مورد نظر این پژوهش‌ها از قرون وسطی تا دوره‌ی معاصر را در بر دارد و توجه ویژه معطوف به مبادلات اروپایی-عربی، از جنگ‌های صلیبی گرفته تا زمان حاضر می‌باشد، و نیز به دنیای ایرانی-ترکی، که همواره هم به دنیای مدیترانه و هم به آسیای مرکزی و جنوبی تمایل داشته‌اند. و این همه نه تنها با توجه خاص به سنتی‌ترین رشته‌های دانش‌های ایران‌شناسی، رمانس‌شناسی، عرب‌شناسی، قرون وسطی‌شناسی و ترک‌شناسی، صورت می‌پذیرد، بلکه، در نظر دارد این رشته‌ها را به طور جدی در تبادلی‌گفت‌مانی قرار دهد که برخی از حوزه‌های علمی - تخصصی (به استثنای مطالعات نوین ادبیات مهاجرت و مطالعات فرهنگی) نادیده اش گرفته‌اند؛ با اطمینان به اینکه امروزه با یک محیط بزرگ و مشترک تاریخی - فرهنگی مواجه هستیم که زمینه‌ی مناسب‌تر و افق بازتری را برای مطالعه بسیاری از پدیده‌ها، در وهله اول ادبیات، فراهم می‌کند.

3. زمینه‌های موضوعی

بنیانگذاران پروژه بر سه موضوع مهم تأکید دارند:

- اشکال ادبی. بن‌مایه‌ها، موتیف‌ها و انواع ادبی (شعر، رمان، درام، و غیره) در بوته‌ی تطبیق ادبیات دنیای هندی - مدیترانه‌ای، از قرون وسطی تا به امروز
- هویت «دیگری» (سراسین، فرنگی، مهاجر، استعمارگر، یهودی، کولی و...) در ادبیات روایی و در ادبیات سفر و در ادبیات مهاجرت
- تاریخچه ترجمه‌ها و بازتاب آنها در دنیای هندی - مدیترانه‌ای (ترجمه از نویسندگان اروپایی به زبان‌های خاورمیانه و از نویسندگان خاورمیانه و حواشی مدیترانه به زبان‌های اروپایی).

4. فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده و راه‌های انتشار نتایج پروژه

- سمینارها / کنفرانس‌ها با دعوت یک همکار خارجی (برنامه‌ی محلی)
- سمپوزیوم و کارگاه
- همایش‌های بین‌المللی (به نوبت در کانون‌های مختلف پروژه)

مسئولین محلی پروژه IDA کوشش خواهند کرد فضاهایی را در مجلات و یا مجموعه‌های نشر دیپارتمانی فراهم کنند که در آن بتوانند نتایج تحقیقات خود را منتشر کنند. برای این منظور اعضای این پروژه همچنین می‌توانند مواد ذیل را فراهم آورند:

- شماره‌ی ویژه در یک مجله
- مجموعه‌ای ویژه در خصوص پروژه و یا کتاب برای گردآوری سخنرانی‌های کنفرانس‌ها و همایش‌ها، و غیره.